

رئیس دزدان فراری است

جزئیات سرقت ۳۰ کیلو طلا با دستان خالی



گروه حوادث: دزدان ۳۰ کیلو طلا در چهارراه «کو کاکولا»ی تهران در عملیات پلیسی دستگیر شدند.

اعضای این باند با شگرد بی‌هوشی دسیسه خود را عملی کردند و رئیس دزدان توانسته فرار کند.

همراه صاحب مغازه پشت میز طلاها رفته بود و ابتدا همه چیز عادی و دوستانه به نظر می‌رسید.

مرد تنها وقتی در گاو صندوق را باز کرد ناگهان پسر جوان دستان مرد طلا فروش را از پشت گرفت و سپس همدستش یک پارچه سفید روی صورت صاحب مغازه گذاشت.

دزدان بسا سوءاستفاده از این شرایط سناریوی سرقت را به اجرا گذاشته‌اند.

همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره پنجم پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۳۴ برای دستگیری سارقان مغازه طلا فروشی وارد عمل شدند.

کار آگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند که دزدان با استفاده از یک دستمال آغشته به مواد بی‌هوشی اقدام به بی‌هوش کردن صاحب مغازه کرده و سپس با خونسردی کامل طلاهای داخل مغازه را به سرقت برده‌اند.

تحقیقات پلیسی

بدین ترتیب تیمی از ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نو برای تحقیقات پلیسی پای در مغازه طلا فروشی گذاشتند و در بازرسی از مغازه پی بردند که مرد طلا فروش در مغازه تنها بوده و هیچ سیستم امنیتی دزدگیر، دوربین مدار بسته، درهای فلزی و آژیر نصب نبوده

سرقت در کو کاکولا

عقر به ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه دوشنبه ۱۰ دیماه سالجاری رانشان می‌داد که دو پسر جوان برای خرید طلا وارد یک مغازه طلا فروشی در چهارراه کو کاکولا شدند.

یکی از جوان‌ها که با پسر صاحب مغازه آشنا بود به مرد طلا فروش که ۵۰ سال دارد گفت که برای عروسی برادرش قصد خرید یک سرویس طلا دارد و به همین بهانه از مرد جواهرات رابه او نشان دهد.

مرد ۵۰ ساله با توجه به شناخت پسر جوان به سمت گاو صندوق رفت و این‌در حالی بود که پسر جوان

در ادامه مشخص شد که دزدان با خودروی صاحب مغازه طلا فروشی از محل سرقت فرار کردند و در این مرحله شماره پلاک خودروی مرد طلا فروش در سیستم سراسری پلیس ثبت شد. تجسس‌های فنی ادامه داشت تا اینکه با گذشت یک هفته از ماجرای سرقت مغازه طلا فروشی ، خودروی مرد طلا فروش به صورت رها شده در شرق تهران کشف شد.

ردیابی‌های پلیسی برای دستگیری سارق آشنا ادامه داشت و ماموران با اقدامات فنی و اطلاعاتی موفق شدند رئیس این باند را که سعید نام دارد شناسایی کنند.

تجسس‌ها نشان از آن داشت که سعید سارق سابقه‌داری است که با ۲ پسر جوان دست به این سرقت زده است اما هیچ ردی از مخفیگاه سعید در دست نبود تا اینکه ماموران توانستند مخفیگاه ۲ پسر جوان را در بلوار ابوذر منطقه پیروزی شناسایی کردند. کار آگاهان روز ۲۹ بهمن ماه سال جاری در عملیاتی غافلگیرانه شهرام ۲۸ ساله از نسوی ماموران دستگیر شد و حمید نیز وقتی فهمید همدستش دستگیر شد از ترس اینکه شرایط برای او بدتر نشود به اداره ۲ پلیس رفت و خود را تسلیم ماموران کرد.

تیم پلیسی همچنین در تجسس از مخفیگاه متهمان، یک دفترچه خاطرات به دست آورد که در متن این دفترچه آرزوهای متهم مبنی بر خرید چند مغازه، منزل و باغ در مناطق مختلف تهران نیز درج شده بود و حتی متهم قصد پرداخت بدهی‌های خود را با استفاده از طلاهای سرقتی نیز داشت که در قسمتی دیگر از دفترچه نیز، از قسمت کردن طلاها نوشته بود.

تجسس‌های میدانی

کار آگاهان در این شاخه از تحقیقات به سراغ دوربین‌های مدار بسته نزدیکی محل سرقت رفتند و پی بردند پسر جوان دیگری در بیرون از مغازه طلا فروشی نقش زاغ‌زنی را داشته و مواظب بوده تا کسی وارد مغازه نشود.

گفت‌وگو با دزد طلاها

شهرام ۲۸ ساله که برای اولین بار است دستگیر شده ادعا می‌کند بعد از سرقت پشیمان شده و قصد داشته تا طلاها را به صاحبش بازگرداند. این ادعا در حالی است که شهرام

برای زندگی‌اش با طلاهای سرقتی بر نامه‌ریزی کرده بود.

سابقه‌داری؟

نه، اولین بار است که دستگیر می‌شوم.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

معاونت در سرقت از طلا فروشی.

چرا دزدی؟

سعید از یک ماه قبل به من پیشنهاد دزدی داد و آنقدر اصرار کرد تا پذیرفتم همراه او دزدی کنم.

چه مدت بود که سعید را می‌شناختی؟

از شش ماه قبل با سعید آشنا شدم.

می‌دانستی سعید سابقه‌دار است؟

بله.

چرا پذیرفتی سرقت کنی؟

سعید گفت که مغازه طلا فروشی برای یک آشنا است و می‌داند که هیچ سیستم امنیتی و امینی ندارد و از من خواست که فقط در سرقت همراه او باشم و نیاز نیست دست به کاری بزنم، حتی تا ۱۰ روز قبل از سرقت سعید تصمیم داشت تنهایی دزدی کند اما نقشه‌اش تغییر پیدا کرد و خواست من به عنوان خریدار طلا همراه او وارد مغازه شوم.

چقدر طلا سهم تو شد؟

دو کیلو طلا به من رسید.

شنیدم ۳۰ کیلو طلا سرقت کردید؟

نه، هفت کیلو طلا سرقت کردیم.

فکری کردی دستگیر شوی؟

بعد از سرقت آنقدر استرس داشتم که از سایه خودم هم می‌ترسیدم و هر روز فکر می‌کردم که دستگیر می‌شوم.

قبل از سرقت احتمال دستگیری نداشتی؟

قبل از سرقت فقط فکر می‌کردم به پول می‌روم و اصلا احتمال دستگیری نداشتم اما یک ساعت بعد از دزدی پشیمان شدم و از سعید خواستم طلاها را پس دهیم اما او نپذیرفت.

این دزدی ارزشش را داشت؟

روز سرقت چه اتفاقی افتاد؟

من و سعید وارد مغازه شدیم و وقتی مرد طلا فروش قصد آوردن طلاها را داشت سعید با یک دستمال آغشته به مواد بی‌هوشی به او حمله کرد و بعد از بی‌هوش شدن مرد طلا فروش همه طلاها را برداشتیم و پا به فرار گذاشتیم.

احتمال نمی‌دادی باعث مرگ مرد طلا فروش بشوی؟

من به سعید گفتم شاید مرد طلا فروش با مواد بی‌هوشی فوت کند اما او خواست من کاری به این کارها نداشته باشم و می‌گفت که مایع بی‌هوشی را از یک آشنا خریده و اتفاقی نمی‌افتد.

پشیمان شده بودی؟

بله، حتی قصد پس دادن طلاهای سرقتی را داشتم اما نشد.

چرا طلاها را پس ندادی؟

منتظر بودم شرایط کمی آرام شود و شنیدیم که مرد طلا فروش ادعا کرده ۳۰ کیلو طلا سرقت شده و من از دو نفر واسطه خواستم که شرایط را درست کنند تا من طلاها را پس دهم.

از سعید خبر داری؟

نه، شنیدیم که فراری شده و بعضی‌ها گفتند که از کشور خارج شده و بعضی‌ها هم گفتند از تهران خارج شده ولی من از او هیچ خبری ندارم و مابقی طلاها پیش او است.

ماجرای دفترچه یادداشت چه بود؟

هیچ‌کس قبل از اینکه دزدی کنیم در ذهنم رویاسازی می‌کردم اما بعد از سرقت دیگر پشیمان شدم و کارهایی را که با طلاهای سرقتی قرار بود انجام دهم، منتفی کردم.

بنا به این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس پرونده در اختیار ماموران اداره پنج پلیس آگاهی تهران قرار گرفته و تجسس‌ها برای دستگیری متهم اصلی پرونده ادامه دارد.

مردان شوم هر روز کارنامه‌ام سیاه تر شده است و برای ادامه زندگی پر از موادم چاره‌ای جز این کارها نداشته‌ام.

وی افزود: آخرین بار که از زندان آزاد شدم سرگردان بودم با جیب‌های خالی و خیلی سخت می‌کشیدم، یک روز که در خیابان در حال مصرف مواد مخدر بودم با مردی به نام سیاوش آشنا شدم. او متوجه اوضاع خراب مالی من شد و گفت که می‌تواند برای من کاری انجام دهد. سیاوش به من یک شیوه خاص از سرقت را یاد داد قرار شد من موبایل یا اموال قیمتی رانندگان تاکسی و مسافر کش‌ها را سرقت کنم و به او بدهم و در ازای آنها پول بگیرم.

زن رزمی کار ادامه داد: من نیز با توجه به اعتیادم و اینکه خرج مواد مخدر مصرفی‌ام بالا بود پیشنهاد او را پذیرفتم و بعد از مدتی نیز با

محمد آشنا شدم که او هم مانند سیاوش از من گوشی و اموال سرقتی‌مالباختگان را می‌خرید و مثل سیاوش بارها به زندان افتاده بود. زهرا درباره شگردش گفت: من با بهانه تاکسی درستی سوار ماشین‌های گذری می‌شدم و در یک موقعیت مناسب، گوشی و اموال موجود درون خودروها را سرقت می‌کردم و بعد از پیاده شدن سوار ماشین دیگری که از قبل دنبالم می‌آمد می‌شدم.

بنابه این گزارش، کار آگاهان با راهنمایی‌های زهرا خیلی زود سیاوش را نیز دستگیر کردند و با اعتراضات این مرد سه نوجوه دیگرش را هم به دام انداختند و هم‌زمان با کشف ۴۵ موبایل سرقتی از این باند هم‌زمان مشخص شد که دزد اصلی دیگر به نام محمد در عملیات دیگری دستگیر شده و در زندان قزلحصار است.

اخبار حوادث

راز عجیب پرواز وحشت مسافران دویبی

ماموران گارد ویژه بنگلادش مردی که گفته می‌شود قصد هواپیماربابی داشته را کشتند و همه ۱۴۸ مسافر را در فرودگاه چیتاگونگ به سلامت از بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ پیاده کردند. هنوز از انگیزه این مرد ۲۵ ساله گزارشی منتشر نشده و بعضی‌اورا دچار اختلالات روانی توصیف کرده‌اند. به گزارش رکنان، آن طور که گزارش شده مرد مظنون یک هفت تیر داشته اما هنوز معلوم نیست که آیا واقعاً برای بودن هواپیمای اقدام کرده بود یا خیر. ماموران پس از شلیک به مظنون توانستند همه مسافران و خدمه پرواز بی‌بی جی ۱۴۷ را که از داکا به سوی دویبی عازم بود را به سلامت تخلیه کنند.

ژنرال موتیسر رحمان، فرمانده ارشد ارتش بنگلادش به خبر گزارشی فرانسه گفته ماموران ابتداسعی کردند او را وادار به تسلیم کنند اما وقتی مقاومت کرد به او شلیک کردند. ژنرال رحمان گفته این مرد که گمان می‌رود حدود ۲۵ سال سن داشته باشد یک بنگلادشی است و تنها یک قبضه هفت تیر از او کشف شده است.

گزارش‌های اولیه حاکی از این بود که این مرد احتمالاً دچار اختلالات روانی بوده و درخواست کرده بود که با شیخ حسینه، نخست‌وزیر بنگلادش را ملاقات کند.

خبر گزارری رویترز به نقل از مقام‌های خطوط هوایی بنگلادش گزارش کرده که این خدمه پرواز بودند که ابتدا متوجه رفتار مشکوک او شدند و این که می‌گفته قصد دارد هواپیمار ابرباد. تصاویری که از این بوئینگ ۷۳۷ سوری ۸۰۰ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده مسافران را نشان می‌دهد که در کنار باند فرودگاه ایستاده‌اند. کوسم دون، یک مقام پلیس در شهر جنوبی چیتاگونگ به رویترز گفت: «پس از بازرسی پلیس مشخص شد که با سلاح مظنون اسباب‌بازی بوده و هیچ بمبی همراه او نبوده است. به نظر می‌رسد او از نظر روانی تعادل نداشته است.

مرگ کودک بخاطر اشتباه دندانپزشک از اکی

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی با اشاره به احراز قصور دندانپزشک از اکی در پرونده فوت یک کودک، از صدور کیفرخواست در دادسرای نظام پزشکی خبر داد. قاسمی دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی با اشاره به احراز قصور دندانپزشک از اکی در پرونده فوت یک کودک، از صدور کیفرخواست در دادسرای نظام پزشکی خبر داد. وی افزود: هم‌چنین نسبت به پرونده به‌کما رفتن یک کودک دیگر پرونده همچنان مفتوح و در حال پیگیری است و منتظر حصول نتیجه نظریه فنی و علمی نظام پزشکی هستیم. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی با تاکید بر اینکه ابعاد دیگر پرونده نیز در حال پیگیری است، خاطر نشان کرد: سیستم قضایی با جدیت به موضوع ورود پیدا کرده و اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

دستگیری چهار اوباش سابقه‌دار در تبریز

فرمانده انتظامی شهرستان تبریز از دستگیری چهار اوباش سابقه‌دار در این شهر خبر داد. فرهنگ نوروزی فرمانده انتظامی شهرستان تبریز گفت: چهار اوباش و شرور سابقه‌دار که در برخی از محلات شهر تبریز امنیت عمومی مردم را به مخاطره انداخته بودند در کمترین زمان دستگیر شدند. وی با اشاره به اینکه افراد شرور دستگیر شده سابقه سرقت نیز دارند، افزود: با تلاش ماموران کلانتری ۲۵ کندرود اراذل و اوباش که با استفاده از چاقو و قمه اقدام به عربده‌کشی و باحرکات غیر متعارف آرامش عمومی مردم را بهم زده بودند در کمترین زمان دستگیر و به مرجع قضایی معرفی شدند.

آوار شدن یک خانه در شیراز

خانه‌ای در خیابان کارگر شیراز، فروریخت و به کسی آسیب وارد نشد. بعد از ظهر روز یکشنبه ۵ اسفندماه، خبر آوار شدن یک ساختمان مسکونی در خیابان کارگر شیراز، توسط مردم در ۱۲۵ اطلاع رسانی شد و بلافاصله آتش نشانان ایستگاه‌های ۱۱ و ۱۹ به محل اعزام شدند. فرمانده عملیات آتش نشانان اعزامی به محل این حادثه با اعلام اینکه دیوارها و بخش زیادی از یک ساختمان خالی از سکنه به دلیل نامعلومی ریزش کرده و تخریب شده بود، از ایزین سازی محل و انجام آواربرداری خبر داد. روابط عمومی آتش نشانانی شیراز اعلام کرد که علیرغم تأیید خالی از سکنه بودن این خانه، آتش نشانان اعزامی، نسبت به آواربرداری اقدام کرده و مطمئن شدند کسی زیر آوار گرفتار نشده است. این ساختمان در محدوده مرکزی شیراز قرار دارد و جزو واحدهای مسکونی فرسوده محسوب می‌شود.



دزدان شوم هر روز کارنامه‌ام سیاه تر شده است و برای ادامه زندگی پر از موادم چاره‌ای جز این کارها نداشته‌ام.

وی افزود: آخرین بار که از زندان آزاد شدم سرگردان بودم با جیب‌های خالی و خیلی سخت می‌کشیدم، یک روز که در خیابان در حال مصرف مواد مخدر بودم با مردی به نام سیاوش آشنا شدم. او متوجه اوضاع خراب مالی من شد و گفت که می‌تواند برای من کاری انجام دهد. سیاوش به من یک شیوه خاص از سرقت را یاد داد قرار شد من موبایل یا اموال قیمتی رانندگان تاکسی و مسافر کش‌ها را سرقت کنم و به او بدهم و در ازای آنها پول بگیرم.

زن رزمی کار ادامه داد: من نیز با توجه به اعتیادم و اینکه خرج مواد مخدر مصرفی‌ام بالا بود پیشنهاد او را پذیرفتم و بعد از مدتی نیز با

ریاست رزمی کار در باند دزدان پایتخت

زهرا خانه به خانه می‌گریخت که دستگیر شد

شیخون به خانه تیمی

همین شاخه اطلاعاتی ماموران را به در یک خانه تیمی در بزرگراه نواب رساند که زن تبهکار و همدستانش آنجا را مخفیگاه خود قرار داده بودند. کار آگاهان اداره ۱۹ پلیس آگاهی برای اینکه در صحنه دستگیری همه را هار برای فرار دزدان ببندند در قالب چهار تیم عملیاتی و زنان پلیس وارد عملیات غافلگیرانه‌ای شدند و خانه تیمی را مورد حمله قرار دادند.

فرار عجیب زن تبهکار

وقتی کلید عملیات زده شد ماموران در داخل خانه دومرد تبهکار را قبل از اقدام به فرار دستگیر کردند اما زن تبهکار با زیرکی و استفاده از آمادگی جسمانی‌اش ابتدا از پنجره خودش را به حیاط پرتاب کرد سپس از روی دیوارها سعی کرد خانه به خانه همسایه‌ها را برای فرار پیدا کند. هم‌زمان با این فرار برق آسائیم‌های پلیس زن آگاهی به تعقیب سایه به سایه زن فراری دست زدند تا اینکه در حیاط خانه همسایه‌ها او را محاصره کرده و با هم انداختند. در هیاهوی همسایه‌های این زن ۳۰ ساله که زهر نام دارد و در حالیکه هیچکس باور نمی‌کرد او یک تبهکار بوده باشد داخل ماشین پلیس نشست و به آگاهی انتقال داده شد.

اعتراف زن رزمی کار

زهرا در بازجویی‌ها به افسر تحقیق گفت: من رزمی کار هستم اما مدتی است که به مواد آلوده شده‌ام و همین کافی بود تا وارد دنیای

دربست کرایه کرد او رفتاری عادی داشت و اصلا تصور نمی‌کردم با یک دزد طرف هستم.

وی افزود: در مسیر هنوز به مقصد نرسیده بودیم که زن جوان از من خواست برای دقایقی در گوشه‌ای پارک کنم وقتی ترمز کردم ناگهان زن مسافر با سرعت برق آسایی موبایلم را قاپبید و از من پیاده شد.

راننده تاکسی ادامه داد: هنوز شوکه بودم من هم در را باز کردم و پایین پریدم اما زن جوان که به سرعت می‌دوید خودش را به یک پژو ۴۰۵ رساند که راننده منتظرش بود و سوار بر آن هر دو با سرعت گریختند.

راننده دیگری نیز گفت: من متوجه اضطراب زن مسافر شدم اما احتمال دادم مشکلی دارد بعد که دست به سرقت زد هاج و واج ماندم و او جلوی چشمانم سوار ماشین همدستش شد و فرار کرد.

ماموران اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران که خود را با زن تبهکاری مواجه می‌دیدند دست به تجسس‌های معکوس زدند تا از طریق خریداران موبایل‌های سرقتی به این زن تازه کار برسند.

هفت مرد حرفه‌ای

با همین شگرد پلیسی ماموران توانستند به باندی برسند که هفت مرد حرفه‌ای زنجیروار به هم متصل بودند و همه در راس با یک زن حرفه‌ای کار می‌کردند و چرخه‌ای از سرقت تافروش موبایل‌ها در بازار سیاه به وجود آورده بودند.

گروه حوادث: زن رزمی کار که ریاست شبکه دزدان پایتخت را بر عهده داشت در تعقیب و گریز جالبی دستگیر شد.

این زن وقتی چهار اکیب پلیسی را پشت در خانه‌اش دید از پنجره خودش را به بیرون پرت کرد و خانه به خانه همسایه‌ها گریخت.

ماموران که بارها این زن کماندویی را ردیابی کرده بودند این بار توانستند با همکاری پلیس‌های زن‌وی رادستگیر کنند.

زندی‌های سریالی

از چندی پیش پلیس تهران در جریان زندی‌های زنانه‌ای قرار گرفت که در همه آنها یک زن برای رانندگان تاکسی و مسافر کش‌ها دسیسه‌شومی داشت.

وقتی با دستور باز پرس دادسرای ناحیه ۳۷ تهران تیمی از پلیس آگاهی وارد عمل شد در تحقیقات ویژه پی برد که بیشتر سرقت‌های سریالی بازار و خیابان‌های اطراف بازار تهران صورت می‌گیرد و زن جوان به‌بهانه مسافر بودن سوار تاکسی‌ها و خودروهای مسافر کش شده و دست به سرقت موبایل آنها می‌زند.

این تحقیقات نشان داد زن تبهکار همیشه تنها بوده و با دربیست گرفتن خودروها در فرصت مناسب و توقف کوتاه ماشین‌ها سریع پیاده شده است.

یک راننده تاکسی به تیم تحقیق گفت: در بازار بودم که زنی جوان و شیک پوش خودرو را

خبر